خبر

## سردار کارگر: تخریب رسانه ملی قابل قبول نیست

رئیس ستاد مرکزی راهیان نور کشور گفت: من چه زمانی که در وظیفه عمومی مسئولیت داشتم چه در اجتماعی ناجا و... این را شهادت می‌دهم که واقعا رسانه ملی در حوزه‌هایی که به انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، مقاومت، عزت، قدرت و اقتدار کشور مربوط بوده، واقعا سنگ تمام گذاشته است. واقعا ظلم است که به صداوسیما حمله کنیم. صداوسیما از ارکان نظام جمهوری اسلامی است و اگر می‌گوییم کسی به این ارکان حمله کند، اگر دشمن باشد که چیزی نمی‌توان گفت اما خودی‌ها نباید حمله کنند. اگر هم انتقاد باشد، باید مراقب بود که خدای نکرده حرف دشمن از دهان ما خارج نشود. به همه دستگاه‌ها انتقاد وارد است. وی بیان کرد: در جنگ ۱۲ روزه صداوسیما را زدند و در جنگ رمضان دوباره به صداوسیما حمله کردند و دلیل آن هم مشخص است؛ چون صداوسیما در حال دفاع از نظام و کشور است.

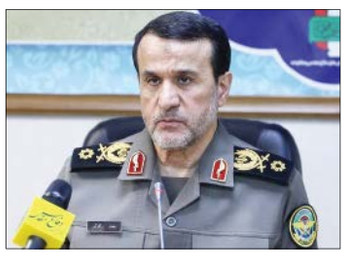

انتقاد از صداوسیما باید در مسیر اصلاح باشد و تخریب رسانه ملی به‌عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست. اگر صداوسیما در دفاع و مقاومت کشور مؤثر نبود، چرا دشمن باید آن را هدف قرار دهد. امروز ما در برابر یک امپراطوری رسانه‌ای قرار داریم و صداوسیما در مقابل این امپراطوری رسانه‌ای در حال فعالیت و تلاش است. همه در این دستگاه در حال زحمت هستند.

# پروژه بایکوت دستاوردها

## بررسی‌ها نشان می‌دهد موج جدید تخریب‌ها، تلاش می‌کند ایستادگی رسانه‌ملی در میانه جنگ و بحران را به حاشیه ببرد

اصغر توسلی
گروه رسانه

گزارش اخیر روزنامه «شرق» درباره پنج سال ریاست دکتر جبلی بر صداوسیما، بیش از آن‌که تصویری همه‌جانبه از این دوره ارائه کند، بر چند گزاره و چند عبارت جنجالی متمرکز شده است؛ روایتی که در آن مجموعه‌ای از اتفاقات کم‌سابقه‌ای که رسانه‌ملی در همین پنج سال پشت سر گذاشته، به‌حاشیه می‌رود.

نقد صداوسیما حق هر رسانه‌ای است و خود رئیس سازمان نیز در گفت‌وگوی اخیرش بر ضرورت نقد، اصلاح و مطالبه‌گری تاکید کرده است اما نقد زمانی می‌تواند جدی و اثرگذار باشد که تمام صورت‌مساله را ببیند، نه فقط بخش‌هایی را که با پیش‌فرض اولیه سازگار است. واقعیت این است که اگر قرار باشد درباره کارنامه پنج‌ساله دکتر جبلی داوری شود، باید سازمان را در همان شرایطی سنجید که مدیریت آن را تحویل گرفت و در پنج سال بعد با آن مواجه شد؛ نه این‌که پنج سال اتفاقات پرشتاب کشور را حذف کنیم و بعد فقط از خروجی‌های تلویزیونی سخن بگوییم.



### آیا این تمام روایت رئیس سازمان صداوسیما بود؟

یکی از برجسته‌ترین بخش‌های گزارش شرق، تعبیر «خط‌ونشان برای منتقدان با چاشنی توهین» است؛ تفسیری که براساس استفاده دکتر جبلی از عبارت «کور خوانده» شکل گرفته است اما اینجا یک تفاوت اساسی وجود دارد: نقل یک جمله با نسبت‌دادن یک نیت یا رفتار به گوینده یکی نیست. دکتر جبلی در سخنان خود درباره کسانی صحبت کرد که انتظار دارند صداوسیما پس از مجموعه‌ای از فشارها و بحران‌ها، از مسیر اعلام‌شده خود عقب‌نشینی کند و در همین زمینه از تعبیر کور خوانده استفاده کرد. تبدیل آن به خط‌ونشان برای منتقدان نیازمند اثبات چیزی فراتر از نقل همین عبارت است. این‌که یک مدیر در پاسخ به منتقدان از ادبیاتی تند استفاده کرده، یک بحث است؛ این‌که او منتقدان را تهدید کرده یا برای آنها خط‌ونشان کشیده، بحث دیگری است.

اما چرا باید میان این دو تفاوت بگذاریم؟ اگر پای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در میان باشد، باید اجازه داد مخاطب متن کامل را ببیند و خودش قضاوت کند که بخش اصلی گفت‌وگوی دکتر جبلی درباره چه بوده است. چرا در میان آن همه بحث درباره تحول، بحران‌های امنیتی و نظامی، مطالبه‌گری، عدالت رسانه‌ای، شبکه خبر، زیرساخت‌ها، انتخابات و آینده سازمان، یک عبارت انتخاب شود و بعد همان عبارت تبدیل به تصویر کلی از رئیس صداوسیما شود؟ این دقیقا همان نقطه‌ای است که روایت شرق و امثالهم نیازمند پاسخ است.

### ۵ سال حذف‌نشدنی

پنج سال مدیریت دکتر جبلی، پنج سال عادی برای صداوسیما نبود. اغتشاشات ۱۴۰۱، شهادت رئیس جمهور و برگزاری انتخابات زودهنگام، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان و مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی و نظامی، رسانه‌ملی را در موقعیت‌هایی قرار داد که حتی معاونان سازمان نیز از آنها به‌عنوان آزمون‌های جدی برای «حفظ آنتن» و «روایت اول» یاد کرده‌اند.

در چنین شرایطی، ارزیابی صداوسیما صرفا با این سؤال که فلان سریال چقدر مخاطب داشته یا فلان برنامه چقدر دیده شده، ناقص است. تلویزیون در زمان بحران فقط یک شبکه سرگرمی نیست؛ یک زیرساخت حیاتی برای اطلاع‌رسانی عمومی است. در انتخابات، در بحران، در جنگ و در حوادث ملی، قطع‌نشدن آنتن، استمرار خبر، حفظ زیرساخت، دسترسی مردم به اطلاعات و توانایی تولید و انتشار روایت، بخشی از کارنامه رسانه است.

صداوسیما در همین دوره، طبق اعلام مدیران سازمان، ۲۰۸ کانال انتخاباتی را برای انتخابات راه‌اندازی کرد و شبکه خبر و مجموعه رسانه‌ای سازمان در جنگ ۱۲ روزه نیز به فعالیت خود ادامه داد. آیا می‌توان درباره کیفیت این عملکرد سؤال داشت؟ قطعا اما آیا می‌توان اساسا آن را از کارنامه پنج‌ساله حذف کرد؟ خیر.

ساختمان شیشه‌ای را چه‌کسی باید در این کارنامه ببیند؟ نکته مهم‌تر آنجاست که ساختمان اصلی صداوسیما در همین دوره مستقیما هدف حمله قرار گرفت. در جنگ‌های اخیر، ساختمان شیشه‌ای صداوسیما هدف حمله قرار گرفت و بعدها دکتر جبلی اعلام کرد که در حمله دیگری، دوبخش از ساختمان آسیب جدی دید و بیش از ۵۰ نقطه دیگر سازمان نیز هدف قرار گرفته است. این اتفاق صرفا یک حادثه عمرانی برای یک ساختمان نیست؛ وقتی یک رسانه در میانه جنگ هدف قرار می‌گیرد، معنای آن در منطق رسانه‌ای روشن است: آنتن و جریان اطلاع‌رسانی، بخشی از میدان بحران است.

صداوسیما در چنین شرایطی باید همزمان دو کار انجام دهد؛ هم به ماموریت خبری خود ادامه دهد و هم زیرساختی را حفظ کند که بخشی از آن مستقیما هدف حمله قرار گرفته است. بنابراین وقتی قرار است پنج سال کارنامه یک رئیس سازمان بررسی شود، این واقعیت‌ها نمی‌توانند در حاشیه باشند و یک جمله جنجالی در مرکز تصویر قرار بگیرد.

### از «رسانه گزارشگر» تا «رسانه مطالبه‌گر»

شاید مهم‌ترین بخش گفت‌وگوی اخیر دکتر جبلی دقیقا همان بخشی باشد که در چنین روایت‌هایی کمتر دیده می‌شود. رئیس سازمان صداوسیما صریحا گفت رسانه‌ملی با رویکرد مطالبه‌گری برای اجرای قوانین، از نقش صرفا گزارشگری فاصله گرفته است. این حرف یک شعار ساده نیست؛ اگر درست فهمیده شود، می‌تواند تعریف متفاوتی از ماموریت رسانه عمومی ارائه کند.

رسانه فقط نباید بگوید چه اتفاقی افتاد؛ باید بپرسد چرا اتفاق افتاد، چه کسی مسئول اجرای قانون است، وعده مسئول چه شد و قانون پس از تصویب به کجا رسید. این همان صداوسیمایی است که در سال‌های اخیر تلاش کرده پرونده‌هایی درباره مسائل عمومی را از مرحله خبر به مرحله پیگیری برساند. پس عجیب است که در بررسی پنج سال عملکرد سازمان، به‌جای آن‌که این تغییر رویکرد به‌عنوان یکی از محورهای اصلی ارزیابی بررسی شود، تمرکز اصلی روی یک عبارت قرار بگیرد.

اگر این مطالبه‌گری ناکافی بوده، باید نمونه‌هایش را بررسی کرد؛ اگر موفق بوده، باید میزان اثرگذاری‌اش را سنجید اما اصل تغییر رویکرد را نمی‌توان با یک تیتر کنار گذاشت.

### «تحول» فقط یک واژه نیست

یکی دیگر از محورهای مغفول در این روایت، مساله «تحول» است. دکتر جبلی از ابتدای مسئولیت خود، تحول را صرفا تغییر چند مدیر یا جابه‌جایی چند برنامه تعریف نکرد و در سخنان اخیرش نیز آن را مسیری مستمر برای تغییر در رویکرد، محتوا و سازوکار سازمان دانست.

طبیعی است که درباره میزان تحقق این تحول سؤال وجود داشته باشد اما بین «تحقق کامل تحول» و «بی‌اثر بودن تحول» فاصله زیادی وجود دارد. راه‌اندازی صدها کانال انتخاباتی، توسعه پوشش استانی، تاکید بر عدالت رسانه‌ای، توجه بیشتر به هویت ایرانی و اسلامی، توسعه شبکه‌های خبری و تلاش برای افزایش تاب‌آوری فنی، نمونه‌هایی هستند که دست‌کم نشان می‌دهند سازمان در این پنج سال درگیر یک پروژه صرفا تبلیغاتی یا تغییرات سطحی نبوده است. ممکن است این اقدامات برای منتقدان کافی نباشد اما «کافی نبودن» با «هیچ اتفاقی نیفتادن» یکی نیست.

### مخاطب؛ نقطه‌ای قابل توجه

موضوع مخاطب نیز از جمله نقاطی است که در گزارش‌های انتقادی درباره صداوسیما معمولا به صورت گزینشی مطرح می‌شود. صداوسیما هم مثل دیگر رسانه‌ها، با مساله مخاطب روبه‌روست و خود مدیران سازمان نیز این مساله را انکار نکرده‌اند اما همزمان دکتر جبلی درباره نظرسنجی‌های مختلف و تفاوت روندهای مخاطب در مقاطع گوناگون صحبت و تاکید کرده است که نمی‌توان تنها داده‌های کاهشی را دید.

حتی در جریان جنگ نیز رئیس سازمان اعلام کرد میزان مخاطبان تلویزیون افزایش یافته است. این آمارها نیز باید مستقل و با روش‌شناسی روشن بررسی شود اما دقیقا به همین دلیل نمی‌توان یک عدد یا یک نظرسنجی را به کل پنج سال تعمیم داد.

اگر قرار است مخاطب معیار قضاوت باشد، باید مجموعه داده‌ها، روش نمونه‌گیری، بازه زمانی، نوع محتوا و تغییر رفتار مخاطب در پلتفرم‌های مختلف کنار هم قرار گیرد. این می‌شود نقد حرفه‌ای؛ نه انتخاب یک عدد و تبدیل آن به حکم نهایی درباره یک سازمان.

### صداوسیما را فقط از قاب سریال نبینیم

صداوسیما فقط سریال نیست. یک سازمان خبری، تلویزیونی، رادیویی، استانی، برون‌مرزی و فنی است که در یک دوره پنج‌ساله باید همزمان آنتن را حفظ کند، انتخابات را پوشش دهد، در بحران‌ها اطلاع‌رسانی کند، شبکه‌های استانی را توسعه دهد، تولیدات نمایشی و سرگرمی داشته باشد و خود را با فضای چندسکویی و تغییر رفتار مخاطب هماهنگ کند.

این مجموعه ماموریت‌ها را نمی‌توان در یک گزارش کوتاه و با چند جمله درباره «کارنامه ضعیف» جمع‌بندی کرد.

اتفاقا اگر قرار است نقد جدی باشد، باید سراغ جزئیات رفت: کدام بخش موفق بوده، کدام بخش عقب مانده، کجا تحول اتفاق افتاده، کجا وعده‌ها عملی نشده و در کدام حوزه‌ها سازمان هنوز نیازمند اصلاح جدی است اما نتیجه چنین بررسی‌ای هرچه باشد، باید محصول بررسی همه اجزای کارنامه باشد.

### چرا همه فشار نقد روی صداوسیماست؟

در این میان یک سؤال جدی‌تر هم وجود دارد؛ نه درباره نیت منتقدان، بلکه درباره الگوی نقد. چرا در بسیاری از روایت‌ها از صداوسیما، تمام وزن بحث روی ضعف‌های این سازمان قرار می‌گیرد اما ماموریت‌ها، محدودیت‌های ساختاری، بحران‌های پنج سال گذشته، حملات مستقیم به زیرساخت‌ها، انتخابات و نقش رسانه‌ملی در مدیریت افکار عمومی در بحران‌ها کمتر دیده می‌شود؟ این پرسش به‌معنای مصون‌کردن صداوسیما از نقد نیست؛ اتفاقا برعکس، اگر قرار است نقد جدی باشد، باید همه واقعیت‌ها را همزمان روی میز گذاشت. صداوسیما از نقد فرار نکرده و نمی‌کند. جبلی نیز در همین گفت‌وگوی اخیر، نقد را بخشی از مسیر اصلاح و پیشرفت رسانه دانسته است. پس پاسخ به گزارش «شرق» هم نباید بستن در نقد باشد؛ باید گفت: نقد کنید اما همه کارنامه را ببینید.

### یک پاسخ روشن

اگر قرار است درباره پنج سال فعالیت دکتر جبلی قضاوت شود، کارنامه پنج ساله صداوسیما را باید در کنار جنگ، بحران، انتخابات زودهنگام، حمله به ساختمان شیشه‌ای، ده‌ها نقطه آسیب دیده سازمان، استمرار آنتن، توسعه کانال‌های انتخاباتی، تغییر رویکرد خبری، مطالبه‌گری، عدالت رسانه‌ای و تلاش برای بازتعریف رابطه رسانه با مخاطب دید.

می‌توان درباره همه این موارد سؤال کرد؛ حتی باید سؤال کرد اما نمی‌توان آنها را حذف کرد و سپس ادعا کرد که کارنامه پنج‌ساله بررسی شده است. اگر روزنامه، خبرگزاری یا رسانه‌ای از صداوسیما مطالبه‌گری می‌کند، این مطالبه‌گری باید دوطرفه باشد؛ از منتقد هم باید مطالبه کرد که سند کامل روی میز بگذارد، نه فقط جمله‌ای که تیتر جذاب‌تری می‌سازد.

دکتر جبلی گفته صداوسیما از «گزارشگر» به «مطالبه‌گر» نزدیک شده است. حالا شاید وقت آن رسیده باشد که همین منطق درباره خود صداوسیما نیز اجرا شود: عملکردش را با داده بسنجیم، ضعف‌هایش را بی‌پرده بگوییم اما دستاوردهایش را هم سانسور نکنیم. چون نقد صداوسیما زمانی جدی است که هم ضعف ساختمان شیشه‌ای را ببیند و هم ایستادن آنتن پس از حمله را؛ هم مساله مخاطب را ببیند و هم افزایش مخاطب در مقاطع بحرانی را؛ هم ضعف‌های تولیدی را ببیند و هم تغییرات ساختاری و خبری را. در غیر این صورت، آنچه باقی می‌ماند نه ارزیابی یک کارنامه، بلکه روایتی انتخاب‌شده از آن کارنامه است و شاید پاسخ اصلی به روایت رسانه‌هایی که یکسویه به نقد می‌پردازند همین باشد؛ برای نقد صداوسیما، لازم نیست واقعیت‌های صداوسیما را حذف کنیم.

یادداشت

دکتر سیدمحمدمهدی موسوی مهر عضو هیأت علمی دانشگاه صداوسیما

## اعتبار رسانه بر مدار حق‌مداری

هر رسانه‌ای در بدو تأسیس و ورود به عرصه فعالیت، نخستین و مهم‌ترین هدفی که پیش‌روی خود قرار می‌دهد، دستیابی به فراگیری در جامعه، جلب استناد عمومی و جذب حداکثری مخاطبان است. در این مسیر، تفاوتی نمی‌کند که آن رسانه رسالت فرهنگی و تربیتی برای خود تعریف کرده باشد یا در زمره رسانه‌هایی باشد که بر مدار مباحث اقتصادی، کسب درآمد، مراودات تجاری و جذب آگهی‌های تبلیغاتی حرکت می‌کنند؛ چرا که همه این رسانه‌ها با هر خاستگاه و انگیزه‌ای که پا به میدان گذاشته باشند، در وهله نخست می‌خواهند دیده شوند و دقیقا در پرتو همین دیده شدن است که می‌توانند به اهداف و مقاصد نهایی خود دست یابند. در این میان، اساسی‌ترین مقوله‌ای که با دیده شدن و جلب توجه مخاطب به منصه ظهور می‌رسد، بحث اعتبار رسانه است.

این اعتبار رسانه‌ای، معلول سلسله‌عواملی است که می‌توان به یکایک آنها پرداخت و مورد واکاوی قرار داد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین عاملی که موجب ایجاد، تقویت و بقای اعتبار یک رسانه می‌شود، همان اصل صداقت و حقیقت‌مداری است. نکته بسیار حائز اهمیت این است که با رجوع به متون دینی و آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین توصیه در حوزه خبر، اطلاع‌رسانی و فرآیند ارسال پیام، دقیقا بر محور صداقت، راستگویی و حق‌مداری استوار شده است. همین پایبندی عملی به اصل حق‌مداری است که در بسیاری از مواقع، حجم انبوهی از چالش‌ها و تنگناهای پیش روی رسانه را کاهش می‌دهد، از آسیب‌ها و بحران‌هایی که گریبانگیر رسانه‌ها می‌شود می‌کاهد و بستری فراهم می‌کند که رسانه بتواند از دوام، ثبات و ماندگاری واقعی در تاریخ فعالیت خود برخوردار شود.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

خبر

## بیانیه پرس تی‌وی در محکومیت ربایش خبرنگار این شبکه

شبکه بین‌المللی پرس تی‌وی در محکومیت اقدام تروریستی ربایش خبرنگار میدانی این شبکه در کرانه باختری بیانیه‌ای رسمی صادر کرده است. در متن این بیانیه آمده است: شبکه بین‌المللی پرس تی‌وی با نهایت خشم و ابراز انزجار، ربایش سازمان‌یافته، غیرقانونی و تجاوزکارانه همکار برجسته و شجاع خود، سرکار خانم نقاء حامد، خبرنگار میدانی این شبکه در کرانه باختری توسط نظامیان اشغالگر رژیم صهیونیستی را به‌شدیدترین وجه ممکن محکوم می‌کند.

این بانوی فرهیخته فلسطینی ـ آمریکایی، همسر، مادر سه فرزند و دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه بیرزیت، با سابقه درخشان در بازتاب رنج‌ها و ایستادگی ملت مظلوم فلسطین، در روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶ حین تردد همراه با تیم رسانه‌ای خود در ایست‌بازرسی نزدیکی شهرک تقوع در جنوب‌شرقی بیت‌لحم، پس از بازرسی مغرضانه و تفکیک اجباری از گروه تصویربرداری، به‌شکلی خودسرانه ربوده و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. اقدام رذیلانه رژیم صهیونیستی علیه نقاء حامد نقطه اوج روندی مستمر از ارعاب، سوءقصد جانی و کارزارهای سازمان‌یافته علیه این بانوی متعهد رسانه‌ای است؛ رویکردی خصمانه که پیش از این با شلیک مستقیم گلوله‌های لاستیکی به وی در جریان گزارش زنده از اردوگاه قلندیا در دسامبر ۲۰۲۵ و مجروحیت دوباره او با پرتاب نارنجک صوتی و گاز اشک‌آور در آگوست ۲۰۲۶ همراه بود و سپس با پرونده‌سازی‌های هدفمند سایبری در فضای مجازی ازسوی حساب‌های شناخته‌شده صهیونیستی، زمینه روانی و توجیه میدانی برای این عملیات تروریستی را رقم زد تا صدای حقیقت خفه و چشم حقیقت‌بین پرس تی‌وی که واقعیات جوامع محاصره و اشغال‌شده فلسطین تحت نسل‌کشی و تجاوز را انعکاس می‌داد، بر عمق جنایات جاری در این سرزمین بسته شود. پرس تی‌وی صراحتا یادآور می‌شود که این رفتار وحشیانه، نقض آشکار و غیرقابل اغماض اسناد بنیادین بین‌المللی، به‌ویژه ماده ۷۹ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مصونیت کامل خبرنگاران غیرنظامی در مناطق درگیری، قطعنامه‌های ۲۲۲۲ و ۱۷۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر صیانت از خبرنگاران و کادر رسانه‌ای و ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

ویژه

خبرنگار اعزامی «جام‌جم» از حال و هوای برگزاری رویداد رسانه ملی گزارش می‌دهد

## آذربایجان، بر فراز امواج «ایران جان»



امیر گودرزی
گروه رسانه

تقویم که به واپسین روزهای شهریور می‌رسد، نسیم خنک ارسباران و هیاهوی میدان ساعت تبریز رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد اما این بار، ماجرا فراتر از یک تغییر فصل ساده است. رویداد ملی «ایران جان» که با هدف بازخوانی هویت بومی، تقویت همبستگی ملی و بازنمایی بی‌واسطه صدای استان‌ها در قاب رسانه متولد شده، این روزها خیمه اصلی خود را در دیار آذربایجان شرقی برپا کرده است؛ رویدادی که از ۲۴ تا ۳۰ شهریور، با تکیه بر کلام امام شهید و با شعار پرمغز «آذربایجان، پرچمدار اتحاد ایران»، آنتن شبکه‌های سراسری را به تماشاخانه‌ای از شکوه، مطالبات و اصالت این خطه بدل کرده است.

مسیر رسیدن به این قاب‌های پرشور البته چندان هم هموار نبود. برگزاری رویداد که به‌دلیل شرایط خاص منطقه‌ای و التهابات ناشی از جنگ تحمیلی سوم به تعویق افتاده بود، در یک بازه زمانی فشرده و کمتر از ۴۵ روز به نقطه اجرا رسید؛ ماراتنی نفسگیر که جز با اراده‌ای جهادی در ساختار پیام و پشتیبانی رسانه استانی به ثمر نمی‌نشست. در همان گام‌های نخست، با برگزاری جلسات توجیهی و هم‌افزایی صمیمانه میان مدیریت ارشد استان، استانداری، شهرداری تبریز، سپاه عاشورا و دستگاه‌های فرهنگی، نوعی نگاه فرصت‌محور و همدلانه شکل گرفت. چیدمان هوشمندانه ستاد نیز به‌گونه‌ای رقم خورد که بدنه اصلی کمیته‌ها به نیروهایی سپرده شد تا بدون آسیب به جریان روزمره آنتن، تمام توان خود را صرف این رویداد ملی کنند.

آنچه در قاب تصویر و امواج صدا جاری شد، حاصل مهندسی دقیق «سند زیست‌بوم استان» بود؛ نقشه‌راهی در قالب ۲۲ سرفصل و صدها موضوع جزئی که رسانه را میان دو لبه «معرفی ظرفیت‌ها» و «بیان صریح مطالبات و چالش‌های مردم» به تعادل رساند. تماشاگران تلویزیون در طول این هفته، شاهد پخش بیش از ۵۰۰ عنوان برنامه در ساختارهای مستند، نمایشی و گرافیک‌های جذاب با کیفیت بالای بصری بودند. همزمان، رادیو با تدارک بیش از ۱۰ هزار دقیقه محتوای فاخر، نه‌تنها پل ارتباطی روزانه با ۱۲ برنامه مطرح سراسری شد، بلکه با اعزام هشت گزارشگر به گوشه‌وکنار، صدای زنده‌دلی مردم تبریز و شهرستان‌ها را به گوش تمام ایرانیان رساند. گروه خبر نیز با بیش از ۷۵ گزارش تراز ملی، حضور در میزهای تخصصی اقتصاد، گفت‌وگوی ویژه خبری و برنامه‌های راهبردی چون «صف اول» با حضور ارکان مدیریتی استان، پای مطالبات بحق مردم را به کانون تصمیم‌گیری‌های کشور باز کرد؛ درحالی‌که فضای مجازی نیز با صدها اثر کوتاه و گرافیکی، نبض احساسات مخاطبان جوان را در دست داشت.

اما روح واقعی ایران جان نه در استودیوهای شیشه‌ای، بلکه در میان کوچه‌ها، مزارع و آیین‌های بومی استان دمیده شد. شبکه استانی با ایفای نقش یک قرارگاه فرهنگی، تصاویر زنده و پرشوری از همایش خاندان مقام معظم رهبری در شهر خامنه، آیین دوشاب‌پزان ملکان و عطر سماق هوراند را به خانه‌های مردم فرستاد. از اهر و فرش هریس تا نوای موسیقی اصیل قره‌داغ و هیاهوی رقابت‌های ورزشی و تجمعات شورانگیز مردمی در میدان ساعت تبریز و گلزار شهدا، همه و همه تصویری زنده و تپنده از استانی ساختند که خستگی‌ناپذیر به افق‌های روشن چشم دوخته است.

داده‌های رصدی و بازخوردهای میدانی در همین چندروز نخست گواهی می‌دهند که استقبال کم‌نظیر شبکه‌های ملی، نتایجی بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه رقم زده است. ایران جان در آذربایجان شرقی نشان داده که بازنمایی اصالت خرده‌فرهنگ‌ها نه یک ویترین تزئینی، بلکه مهم‌ترین سنگر برای تقویت سرمایه اجتماعی و امنیت روانی جامعه است. این رویداد ثابت کرد هر زمان که قاب رسانه آیینه تمام‌نمای مردم، رنج‌ها، امیدها و افتخارات‌شان باشد، اتحاد ملی نه در قالب یک شعار، بلکه در زیباترین شکل ممکن متولد می‌شود و آذربایجان، به‌راستی بار دیگر ثابت کرد که شایسته‌ترین پرچمدار برای این پیوند ناگسستنی است.